

ویژگیهای معماری مساجد ایران

(مسجد دشتی اصفهان)

مینا رهبریان
کارشناس ارشد تاریخ

مغول، تیموری، و صفوی و جزاینها، جز راحتی کار محقق نیست والا از دیدگاه هنر معماری، این کار یک طبقه بندی دلخواه است، و عناوینی است برای تثبیت و تشدید یک تاریخ و لعد؛ یعنی تاریخ معماری ایران. هر یک از انواع معماری به دنبال نوع قبلی است. زیر بنای معماری بعدی و کم و بیش همراه با حواشی هیجان انگیز که به هریک از آنها ویژگی خاص خود را می بخشد اگذار، آثار ایران، ج ۳، ۳۴-۳۵.

معماری اسلامی ایران را می توان متأثر از دو شاخه عمده و اصلی دانست؛ یکی خارج از فرهنگ بومی ایران، و دوم متعلق به فرهنگ بومی ایران پیش از اسلام. سهم مورد اخیر، تقریباً تمامی تأثیر را در بردارد. کاربرد انواع قوسها و از آن جمله طاق ضربی، خلق گنبد بر روی پایه چهار گوش و ایوان، از جمله عناصر اصلی به شمار می روند، که از پیش از اسلام آمده اند. همچنین، مساجد و مدارس چهار ایوانی که طرح این مساجد و مدرسه ها تنها بر اساس پلان کهن صحنهای چهار ایوانی مربوط به دوره اشکانی (۲۵۰-۲۲۶ ق. م) و ساسانی (۲۲۴-۶۵۲ م) و حتی قبل از آن در زمان هخامنشیان (۵۵۹-۳۲۱ ق. م) بنیاد گرفته است. در زمینه تزینات معماری، با هیچ پدیده ای از دوره اسلامی برخورد نمی کنیم که سابقه اش به قبل از اسلام باز نگردد. در این باره، یکی دو مورد را به عنوان شاهد مثال یاد می کنیم. سابقه هنر کاشیکاری به دوران هخامنشی و عیلام (۲۲۲۵-۶۴۵ ق. م)، و گچبری به دوران ساسانی بازگشت دارد. معماران ایرانی پس از

بی گمان، ظهور و بروز هر پدیده ای در عرصه تاریخی، خلق الساعه نبوده و متکی بر پدیده ها و زمینه پیش از خود است. این بازگشت، ما را بر آن می دارد تا اینکه قبل از بررسی تنها یک پدیده، به عوامل موجد آن پدیده نظر کنیم. آثار معماری، یکی از آن پدیده های تاریخی است. بناهای تاریخی هر کشور، بخشی از شناسنامه، تاریخ و کارنامه مردمی است که در آن عرصه زمانی زندگی می کرده اند. ممکن است که این برگهای زرین در باد زمانه به پراکندگی و فراموشی سپرده شده باشد، لیکن این آثار به خاطر خلوص و واقعیت گرایی شان، نشان از فکر و ذهن مردمان به وجود آورنده آن دوران دارند.

معماری در ایران، بیانگر فراز و فرودهای بسیاری است. در پاره ای از دوره های تاریخی، تقریباً رکود آثار معماری وجود داشته است و در پاره ای دیگر، چنان رشد کرده که امروزه به عنوان سند افتخاری برای ملت ایران است. از آنجا که ایران کشوری در میان قلمرو جغرافیایی اسلامی بوده است، لذا پدیده معماری هم تأثیر گرفته و هم تأثیر گذارده است. و مثل بسیاری از پدیده های تمدنی، معماری به خودی خود نمی توانسته است رشد و توسعه یابد.

سه دوره بزرگ در معماری ایران پس از اسلام، قابل بررسی و تعمق زیاد است؛ یکی دوره سلاجقه (۴۲۹-۵۵۲ ه. ق)، دیگری دوره ایلخانی (۶۵۴-۷۴۴) و سوم دوره صفویه (۹۰۷-۱۲۴۷ ه. ق) البته «... طبقه بندی کردن معماری... سلجوقی،



صحن مسجد جامع اصفهان

بنا را نگاه می داشت، اطلاق می شد. نیارش شامل استاتیک بنا، علم ساختمان یا فن ساختمان و مصالح شناسی در آن است. خودبسندهی بدین معناست، که سازندگان سعی کنند مصالح مورد نیاز را از نزدیکترین مکانها و با ارزترین بها به دست آورند. درونگرایی، در ساخت یک بنا و نحوه ارتباط آن با فضای خارج لحاظ می شده است؛ بدین معنا که بنا به گونه ای ساخته می شد که همه فضای درونی بنا به هم ارتباط مستقیم پیدا می کردند. به دلیل وضع خاص بسیاری از مناطق ایران؛ یعنی: خشکی، بادهای مختلف، شنهای روان و... بناهای درونگرا رایج شده بود؛ پیرنیا، معماری اسلامی ایران، ۱۹۱.

در یک نگاه به معماری ایران، می توان گفت که ایران در هنر، معماری و ادبیات خود، مجذوب پرهیز و پروا از سنگینی است. و همین امر، بهتر از هر چیز دیگری، معرف ویژگی آن است. آنچه را که معماری ایران یا به طور کلی هنرمند ایرانی در جستجوی آن است، زیبایی فکر و بیان و بیش از آن، احساس راحتی و سبکی است [گذار، آثار ایران، ج ۳، ۳۶-۳۷].

یکی از ویژگیهای معماری ایران اسلامی، ارتباط تزیینات و ساختار بنا است. در معماری هر عصری، همسویی ساختار و تزیینات، اغلب ناقص می باشد، به طوری که به ارزش ساختمانی بی توجهی شده، خشی در نظر آمده یا تأکید بیش از حد به آن شده است. اشکال متعدد بسیار عالی، بر روی مصالح گوناگون اجرا شده است: آجر در شکلهای بی شمار، گچبری در حد کمتری، چوب در شکلهای بسیار عالی برای نرده کشی و سقف، فلز برای طارمی پنجره ها و چهار چوبهای تشریفاتی و عمدتاً بر روی چوب کار گذاشته شده، کاشی الوان در معرفکاری یا کاشیکاری کفپوش [پوپ، معماری ایران، ۲۰۴].

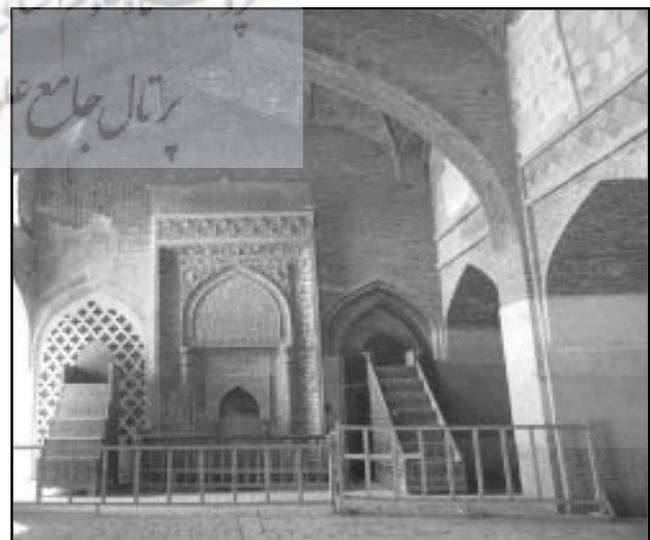
در میان عناصر ویژه معماری اسلامی ایران، باید از قوس شکسته با ارتفاعی کمتر از نیم دهانه، یاد کرد. طرح این قوس، بسیار پیچیده است. هر یک از دو نیمه آن، به کمک دو قوس با شعاعهای مختلف به وجود آمده اند که در هر دو سویشان، مناره های مخروطی شکل که به «نعلبکی» یا بالکن ختم می شود، قرار دارد. تزیینات بنا بویژه با روکش کاشی ساخته می شده

گسترش اسلام در کشور ایران، سنتهای دیرین معماری ایران را دنبال کرده، و از همان آغاز مبنای بسیار منطقی و پسندیده ای برای معماری اسلامی پدید آوردند [جوادی، معماری ایران، ج ۱، ۱۶۹-۱۷۴]. با آغاز عصر اسلامی، در تاریخ آرایشهای معماری و رابطه ساختمان با آرایش آن، فصل تازه ای آغاز شد. در سنت رنگ و طرح که به آرامی به حد رشد می رسید، در مقام بخش اساسی از هنر ساختمان، مایه های قدیم دوباره پدیدار گشت؛ مایه هایی که از تماسهای قدیم به هنر چین و غرب هلنی، به آرامی نفوذ کرده بود. کشف و به کارگیری مصالح و فنون تازه در هیچ جای دیگر، با یک چنین ذوق و آگاهی همراه نبود [پوپ، معماری ایران، ۱۳۲].

سرچشمه های آرایش معماری ایران، به همان وسعت ارتباطات ایرانیان است. آنان از همه کسب فنون کرده اند؛ از غرب آسیا، بین النهرین، آشور، به همان اندازه از شرق... ولی هیچ کدام از این تأثیرات اثر عمیق در عادات این مردم نگذاشت، که برای ایشان نقشهای نمادی و مجرد جاذبه ای بیشتر و بهتر داشت. جذب این مضامین و سبکهای گوناگون، بغرنج و غالباً مبهم بود. ولی منشأ آنها هرچه بود، سرانجام در گنجینه هنر ایرانی جذب و از لحاظ ماهیت و کاربرد ایرانی شدند [پوپ، معماری ایران، ۱۳۴]. اصول معماری اسلامی ایران را می توان به پنج اصل تقسیم کرد: مردمواری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خودبسندهی و درونگرایی.

مردمواری، به معنای داشتن مقیاس انسانی است، که می توان آن را در عناصر مختلف در معماری اسلامی ایران مشاهده کرد. به طور مثال، اگر سه دری را که همان اتاق خواب است در نظر بگیریم، اندازه آن برحسب نیازهای مختلف یک زن، مرد و بچه یا بچه های آنان، در نظر گرفته شده است.

اصطلاح نیارش در معماری گذشته، به مجموع چیزهایی که



منبر و محراب الجایتو، جامع اصفهان



گچبریهای مسجد جامع اردستان

زمینهای شرقی حوزه زاینده رود بخوانند، با ناباوری آن مطالب را بپذیرند.

روستای دشتی

«... سیوم ناحیت کراچ، سی و سه پاره دیده است. دشته واشکاوند و فیزادان، از معظم قرای این ناحیت است. و نیز، همچو باغی است از پیوستگی باغستان دیها باهم...»
 روستای دشتی، روستایی است که امروز، از توابع برآن جنوبی محسوب می شود. مسجد دشتی، در روستای دشتی قرار دارد. این مسجد که امروزه در کنار جاده آسفالت واقع شده، در ۱۹ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان، در ساحل جنوبی زاینده رود، استقرار یافته است. مثل بسیاری از بناهای شرق حوزه زاینده رود، این بنا نیز فاقد کتیبه است. لیکن براساس قراین باستان شناسی و معماری، ویلبر تاریخ ساخت این بنا را در حدود سال ۱۳۲۵م/ ۷۲۵ه. ق تخمین زده؛ که همزمان با ساخته شدن بنای مسجد کاج و مسجد ازیران است [ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ۱۱۱].

مسجد دشتی

از مساجدی که در شرق زاینده رود قرار دارد، مسجد دشتی می باشد؛ که شاید بیشترین توجه مقامات رسمی را به خود جلب کرده است. یکی از علل عمده آن، واقع بودن این مسجد در کنار راه آسفالتی است، که اصفهان را به شرق متصل می کند. دلیل دیگر اهمیت آن، نزدیکی این مسجد به شهر اصفهان است. در حال حاضر، اطراف این بنا را تا یک متر - از سطح زمین به بالا - دیوار آجری، و ۱/۵ متر دیگر روی آن را نرده آهنی قرار داده اند.

مسجد دشتی گنبد و فضایی در زیر آن دارد که در قیاس با مسجد کاج، جمعتر و بسته تر است. قطر گنبد ۹/۸ متر، و ایوان جلوی آن ۹/۶ متر عرض دارد. محراب این مسجد، گچبریهای داشته است، ولی تا امروز بقدری آسیب دیده که به سختی باز شناخته می شود [هیئت باستان شناسی آلمان، گزارشهای باستان شناسی در ایران، ۳۰۰]. این مسجد به شماره ۳۴۷، جزء آثار ملی ایران

است. نخست آجر لعابدار به کار می بردند، اما از آغاز قرن ششم هجری به کاشی روی آوردند. کاشی ایرانی کیفیتی غیر قابل مقایسه دارد. لعاب کامل و خوب آن در برابر ناملایمات زمان، مقاوم می باشد و شدت رنگ در آنها، ملایم و در نهایت ظرافت است. کاشی ایرانی پرتین، و بازتابی همچون فلز شفاف دارد. رنگهای: آبی لاجوردی، زرد، سبز و خاکستری، در زمینه کارمسلطند. عناصر اصلی تزیینات، عبارتند از گل و گیاه که آزادند، و به گونه ای طبیعی طرح شده اند. نقش چند ضلعی و تزیینات هندسی در مکتبهای دیگر کاربرد فراوان دارد اما در ایران از آن کمتر استفاده می شود. روی بسیاری از اسپرها، یک ترنج بزرگ چهار پرده دیده می شود که در وسط ایوان جا گرفته است. هر یک از گوشه ها یا لچکی ها نیز با طرح سه گوشه ای زینت شده است، که لبه آنها چون ترنج مرکزی پیچ و تاب دارد [هوک، سبک شناسی هنر معماری، ۲۲۱].

به هر حال، هر یک از سلاطین سلسله ها بنا به ذوق و علاقه شخص خود، اقدام به تأسیس و ایجاد ساختمانهای مجلل می کردند. در این مبحث، قصد داریم برای نمونه درباره یکی از آثار برجای مانده دوره ایلخانی در شرق حوزه زاینده رود صحبت کنیم.

بناهای شرقی حوزه زاینده رود که به تعداد زیاد و فراوان تا گاوخونی امتداد یافته اند، نشان می دهند که در گذشته های دور و حتی نزدیک به زمان ما، آن روستاها مرکز رونق و آبادانی بوده اند. اما در حال حاضر، این مراکز آباد باستانی و تاریخی، از مراکز اداری - تجاری شهر اصفهان دور می باشد، لذا، در آنجا روستاییان به کشاورزی رغبت بیشتری دارند. البته، با وضعیت فعلی کمبود آب زاینده رود، شاید در مدت کوتاهی زمینهای بیابانی جای زمینهای کشاورزی را بگیرد و آیندگان هنگامی که گفتار حمدالله مستوفی - قزوینی را درباره آبادانی، سرسبزی و سرزندگی



کاشیکاری مسجد جامع اصفهان



محراب مسجد جامع دشتی، اصفهان

اقتصادی محلی و یا عدم علاقهٔ اولیای امور محلی یا ملی بوده باشد» [ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ۱۷۵].

سیرو نظر دیگری دربارهٔ ساخته شدن مسجد دشتی دارد: «نزدیک یک مسجد سلجوقی که مسلماً چیزی از آن باقی نمانده بود» - غیر از مناره که ام. اسمیت از بین رفتن آن را در سال ۱۹۱۵م [۱۳۳۳ق] اشاره کرد - تصمیم گرفته اند، مسجدی از همان نوع مسجد کاج بسازند؛ که همان طور، بر روی یک خاکریز مسطح قرار گرفته و حدود ۱/۵ متر از زمین بالا آمده باشد. این کار انجام گرفت، ولی هیچگاه از ارتفاع ۴ تا ۵ متری بالاتر نرفت. این طور پیش بینی کرده اند که از هر طرف مقصوره و رواق بسازند، ولی آن هم هرگز ساخته نشد، بجز یک قطعه از شبستان که در روی بنای غربی مشاهده می شود. بقیه کار همه جا متوقف و بعدها دوباره از سر گرفته شده است. خیلی بعدها، نمازخانه محقری به نمای شرقی مقصوره تکیه زده، آثار طاقهایی که تکیه داده بودند، دیده می شود. تمام آنها، صفوی [۹۰۷-۱۱۴۸ه.ق] هستند. هنگامی که این الحاق انجام می گرفته، جای دو پا طاق خارجی که در دو طرف طاق محوری دوره مغول [۶۵۶-۷۴۴ه.ق] بودند، به گونه زمختی گرفته شده اند. . . در اینکه می خواسته اند قسمتهای اصلی بنای در حال ساختمان را محکم بسازند (مقصوره، ایوانها، رواقهای طرفین) حرفی نیست،

به ثبت رسیده است. [مشکوتی، بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، ۳۶].

سازمان میراث فرهنگی ایران، تاریخ ساخت مسجد دشتی را قرن هفتم هجری ثبت کرده است، لیکن هنر فر آن را متعلق به قرن هشتم هجری می داند: «مسجد دشتی که در ساحل جنوبی زاینده رود واقع شده، از هر جهت شبیه به مسجد کاج که در شمال بستر زاینده رود بنا شده است، می باشد و قرینه آن است. در اطراف این مسجد تاریخی قرن هشتم، بعداً نیز ساختمانهای دیگری اضافه شده است که فعلاً اثری از آنها برجای نیست، و مناره هایی هم داشته که طی نیم قرن اخیر به منظور استفاده از مصالح بنایی عمداً آنها را خراب کرده اند. در این مسجد در حال حاضر، هیچگونه کتیبه و خط دیده نمی شود» [هنر فر، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، ۲۸۸]. لیکن، رفیعی مهر آبادی اظهار می دارد که زیر سقف گنبد، واژه های: «الله»، «محمد» و «علی»، به خط کوفی نقش بسته بود، و سال ۱۳۳۵ که تاریخچهٔ ابنیه تاریخی اصفهان تألیف شد این کلمات باقی بودند. ولی در سال ۱۳۴۴ که کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان تألیف شد، آن کلمات وجود نداشتند رفیعی مهر آبادی، آثار ملی اصفهان، ۸۲۹].

ویلبر در باره نحوه ساخته شدن این بنا، سخن جالبی دارد: «از خود بنا می توان به جریان وقایع خاص پی برد. در اوج قدرت ایلخانی، تصمیم گرفته شده که در حوالی اصفهان و در کنار زاینده رود، چندین قریه و قصبه مسکونی احداث گردد. و لاقل، در سه محل عملیات ساختمانی آغاز گردید. و اول، به ساختن مسجد که هسته مرکزی ده را تشکیل می دهد، اقدام گردید. و پس از چندین ماه کار ساختمانی، یک حادثه سطحی سبب قطع عملیات شد. و سپس، کار ساختمان ادامه یافت و تکمیل گردید. بجز آن که همه کتیبه های تزیینی ساخته نشده. عدم موفقیت در تکمیل ساختمانها، ممکن است در نتیجه حوادث محلی یا وضع



مسجد جامع دشتی، اصفهان



مسجد جامع کاج، اصفهان

به آن رسیدگی شده است. با مقایسه عکسهای که سیرو و ویلبر گرفته اند و وضعیت فعلی این اثر، مقدار زیادی از تزیینات سردر مدخل شمالی مسجد دشتی، از بین رفته است. البته، در تصاویر ویلبر و سیرو و در یک نمای کلی، آنچه از مسجد دشتی دیده می شود، مخروبه ای بیش نیست. ولی در وضعیت فعلی، قسمتهای تخریب شده زیادی از این بنا، بازسازی شده است. شاید عمده تخریب از سال ۱۹۴۳ م/ ۱۳۲۲ تا سال ۱۹۶۳ م/ ۱۳۴۴ صورت گرفته باشد. با وجود تعمیرها و ترمیمها، به نظر می رسد این اقدامات بر مبنای اصول درست و شناخت علمی نبوده و مثل دیگر آثار تعمیر شده، نوشته و اصالت آن بر باد رفته است.

منابع:

۱. پوپ، آ. معماری ایران، مترجم غلامحسین همدری افشار، چاپ دوم، تهران، انتشارات فرهنگان، ۱۳۷۰
۲. پیرنیا، محمد کریم، معماری اسلامی ایران، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۴
۳. جوادی، آسید (گردآورنده)، معماری ایرانی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجرد، ۱۳۶۳ ه. ش
۴. رفیعی مبرآبادی، ابوالقاسم، آثار ملی اصفهان، چاپ اول، تهران، نشر آثار ملی ایران، ۱۳۵۲
۵. سیرو، ماکسیم، راههای باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آنها، ترجمه مهدی مشایخی، تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، ۱۳۵۷
۶. قزوینی، حمدالله، نزهة القلوب، به اهتمام گالی لسترنج، چاپ اول، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲
۷. گذار، آندره و دیگران، آثار ایران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، چاپ سوم، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵
۸. مشکوتی، نصرت الله، بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران
۹. ویلبر، دونالد نیوتن، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ج ۲، ۱۳۶۵
۱۰. هنرفر، لطف الله، گنجینه آثار تاریخی اصفهان، چاپ دوم، اصفهان، کتابفروشی ثقفی، ۱۳۵۰
۱۱. هوگ، ج و دیگران، سبک شناسی هنر معماری، ترجمه پرویز ورجاوند، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵
۱۲. هیئت باستان شناس آلمانی، گزارشهای باستان شناسی در ایران، ترجمه سروش حبیبی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۴

ولی ما همواره نسبت به آنچه در قسمت شمالی پیش بینی کرده بودند بی اطلاع مانده، نمی دانیم آیا حیاط را مربع یا مستطیل شکل مثل آنچه در کاج است، می خواسته اند بسازند. زمانهای توقف کار که از بنایها فهمیده می شود، ناتمام ماندن تزیین و رها کردن کارها، همه نشانه هایی از یک دوره آشفته اند. . . خیلی ممکن است که طول مدت کار این بناها که به طور اتفاق و در مراحل مختلف انجام یافته، به دوازده تا پانزده سال هم کشیده باشد؛ یعنی تا وقتی که ناحیه اصفهان در گیر مخاصمتهای سلاطین اینجوری شیراز [۷۰۳-۷۵۸ ه. ق] و آل مظفر [۵۹۵-۷۱۳ ه. ق] بوده است [سیرو، راههای باستانی ناحیه اصفهان و بناهای وابسته به آنها، ۴۲۹-۴۳۰].

نقشه اصلی مسجد دشتی، عبارت است از: شبستان گنبددار، راهروهای دو طرف، سردر بزرگ و صحن مقابل آن [ویلبر، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ۱۷۵] گنبد مسجد دشتی، از وضعیت نسبتاً خوبی برخوردار است. دیوارهای شبستان آسیب دیده است، و وضع سردر ورودی خوب نیست. ساختمان بنای متصل به شبستان، در سمت غربی و شرقی از بین رفته اند. کف این بنا خاکی است. قسمتهای داخلی این بنا، به وسیله سازمان میراث فرهنگی استان اصفهان برداشته شده است تا دوباره ترمیم شود. هم اینک، مقداری آجر در ضلع شمالی بنا بر روی هم قرار گرفته است تا هنگامی که بودجه ای برای ترمیم این بنا مقرر شود، به ترمیم آن اقدام گردد. قسمتهایی از گنبد برای نوشتن شعارهای سیاسی، رنگ خورده است. در زمین جلوی سردر شمالی، تعدادی گل و درخت کاشته اند. مسئولیت مراقبت از این بنا، بر عهده بقال جنب این بنا و کشاورزی می باشد که مورد احترام اهالی است. شاید در بدو امر، این مسئله اندکی مضحک به نظر برسد، ولی با توجه به مساجد هفتشویه، از ایران و کاج که همگی بی متولی است و هر کس می تواند به داخل آنها وارد و خارج شود، وجود این دو نفر برای این بنا، امتیاز بزرگی است.

به هر تقدیر، از بناهای مربوط دوره ایلخانی که در شرق حوزه زاینده رود واقع شده اند، مسجد دشتی سالمتر مانده و بهتر



گنبد مسجد جامع دشتی، اصفهان